

"اگر از اسب افتاده ایم اما از نسل نیفتاده ایم."

مجید حسینی

صفحه ۳



نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۵

تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

معلمان باز نشسته باز هم دست به تجمع زدند

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری ایران

بیست نفر در زندانهای ایران اعدام شدند

صفحه ۶

مینا احدی

ناامنی محیط کار جان سه کارگر را در تبریز گرفت!

صفحه ۶

اطلاعیه کمیته آذربایجان

بحران خاورمیانه و عروج و افول داعش

مصاحبه ایسکرا با محمد آسگران
(فسمت اول)

ایسکرا: شما در مورد خاورمیانه مطالب زیادی نوشته اید. این بار میخواهیم هم به شکل جمع بندی تحولات تا کنونی و هم آینده خاورمیانه و راه برون رفت از این بحران و سرنوشت داعش و جنبش اسلام سیاسی و موقعیت احزاب و دولتهای منطقه از شما پرسیم.

اگر بخواهید تصویر امروز خودتان از خاورمیانه را بطور خلاصه بگویید چه نکاتی هست که بیان آنها تصویر کامل امروز را نشان میدهد؟

محمد آسگران: خاور میانه امروز در دریایی از خون و ویرانی و آوارگی و بی افقی غرق شده است. بحران خاورمیانه در این دوره با بحران فلسطین و لبنان و... در دوره جنگ سرد متفاوت است. از نظر من بحران این دوره خاورمیانه بعلاوه بحران شمال آفریقا حاصل هژمونی طلبی آمریکا بعد از فروپاشی بلوک شرق است. اما بازی کنان و صحنه گردانان این دوره تازه، عمدتا همان نیروهای سابق هستند. اکنون خاور میانه به میدان جنگ و رقابت دو قطب جهانی و منطقه ای تبدیل شده است. همه احزاب و دولتهای منطقه در میان این دو قطب تقسیم شده اند. جنگ و جدال و بحران خاور میانه اساسا انعکاس جدال این قطبها با همدیگر است. در بعد جهانی روسیه و آمریکا در راس دو قطب مخالف قرار دارند و در منطقه اما جمهوری اسلامی و رژیم پادشاهی عربستان سعودی در راس قطبهای منطقه ای قرار گرفته اند. دولت ترکیه در میان دو قطب جهانی هنوز در حال نوسان است. دولتها و احزاب اسلامی و ناسیونالیست منطقه تماما در میان

این قطبهای منطقه ای و جهانی تقسیم شده اند. اما بحران چنان کن قابل کنترل و نیروهای بازی کن منطقه ای چنان در حال نوسان و بی ثبات هستند که جایابی دولتها و احزاب درگیر در این بحران هنوز امری عادی و روزمره است.

ایسکرا: جریانات جنبش اسلام سیاسی چه نقشی در این بحران دارند و سابقه این بحران به چه مقطعی برمیگردد؟

محمد آسگران: از نظر من بحران امروز خاور میانه از سال ۲۰۰۳ به بعد و از مقطع اشغال عراق تفاوت زیادی با بحران ماقبل این تاریخ دارد. اما سابقه رشد و تاثیر گذاری جریانات و جنبش اسلام سیاسی قدیمتر است. با قدرتی جریانات اسلام سیاسی در ایران و افغانستان از همان اوایل دهه هشتاد میلادی جهان با پدیده تازه ای مواجه شد. غرب به رهبری آمریکا اسلام سیاسی را از گور بیرون آورد و در مقابل بلوک شرق تقویت کرد. برای کوتاه مدت این نیروی از گور برخاسته به نفع سیاست هژمونی طلبی آمریکا و غرب علیه شرق عمل کرد. اما مدت زیادی طول نکشید که خود این اژدهای دو سر اسلام سیاسی از کنترل غرب خارج شد و دنیا را به این روز انداخت که حالا همه شاهد آن هستیم.

اسلام سیاسی ابتدا پدیده ای منطقه ای بود اما امروز پدیده ای جهانی است. ابتدا در رقابت جهانی و در دوران جنگ سرد عمدتا علیه بلوک شرق بکار گرفته شد اما امروز

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بحران خاورمیانه و ...



محمد آسگران

عمدتا علیه غرب است. با این حال جنبش اسلام سیاسی اکنون هم ضد غرب است و هم ضد تمدن، هم ضد زن است و هم ضد مذاهب دیگر، اگر بخوایم در یک جمله بگویم جنبش اسلام سیاسی شامل تمام جناحهای آن از تندرو تا میانه رو از "لیبرال" تا احزاب پارلمانی جنبشی ضد تمدن و ضد انسانی است که با هیچ گوشه‌ای از تمدن و خواسته‌ها و امیال انسانی خوانایی ندارد.

جریانات و دولتهای منبعث از جنبش اسلام سیاسی دو طرف جنگ و جدال بحران خاور میانه را شکل میدهند. این اژدهای دو سر سنی و شیعه احزاب و دولتهای متعددی را شکل میدهند و هر کدام از آنها متحلین جهانی خود را دارند. در حال رقابت و جنگ مستقیم و یا نیابتی با همدیگر هستند. جنگ سوریه و یمن و عراق و لیبی و ... نمونه‌هایی از جنگ و کشمکش جریانات اسلامی با همدیگر هستند.

ایسکرا: اجازه بدهید کمی با جزئیات به جریانات اسلامی شیعه و سنی بپردازیم چه تفاوتی در میان آنها هست و جدال آنها بر سر چیست؟

محمد آسگران: از نظر تاریخی و مذهبی این دو شاخه اسلامی مانند دو سر یک اژدها هستند. اختلافشان به دوره خلافت اسلام بعد از مرگ پیغمبر اسلام برمیگردد. اما جدال امروزشان مادی و سیاسی است. جدال این دو جبهه ارتجاعی بر سر منطقه نفوذ و قدرت و ثروت است. سهم خواهی این دو قطب اسلامی در مقابل هم و در مقابل کشورهای غربی پایه مادی امروزی دارد و روش ایدئولوژی مذهبی آنها اساسا برای تحمیق مردم و بسیج نیرو برای رسیدن به قدرت و ثروت

است. رقابت این دو قطب اسلامی با قدرتیگیری جمهوری اسلامی ایران وارد فاز جدیدی شد و خمینی همه دولتها و احزاب اسلامی سنی را منحرف از دین و نوکر غرب معرفی کرد. تنها گروه سنی متحد سیاسی جمهوری اسلامی حماس است. با قدرتیگیری جمهوری اسلامی ایده جهان گشایی و جنگ با غرب و اسرائیل و ضدیت با تمدن مدرن و برگشت به فرهنگ ۱۴۰۰ سال قبل در میان همه جریانات سنی و شیعه به ارزش تبدیل شد. سرکنشی جمهوری اسلامی در مقابل غرب و سرکوب خونین مخالفان و قتل عام مردم ناراضی در ایران و گسترش نفوذ آن در کشورهای منطقه قطب مقابل را به تکاپو انداخت.

با تحرك تازه جریانات اسلامی سنی به هدف مقابله با جمهوری اسلامی و اسلام شیعی انواع دستجات اسلامی شکل گرفت و دولتهای ناسیونال - سکولار عرب تحت فشار اسلامی‌ها یکی بعد از دیگری به احکام اسلامی رجعت کردند و قوانین و سنتهای اسلامی در کل منطقه دوره رشد و گسترش نفوذ خود را آغاز کرد. بویژه اینکه جریانات سنی هم از نظر تعداد جمعیت هم از نظر امکانات مالی و تکنولوژی و قدرت نفوذ دایره گسترده تری نسبت به جریانات شیعی داشتند. برای مثال اگر القاعده و طالبان عمدتا نیرویی منطقه‌ای و ساکن کشورهای خاورمیانه بودند و از امکانات محدودی برخوردار بودند داعش با درس گرفتن از محدودیت تجارب آنها بخش اصلی نیرویش را با استفاده از تکنولوژی جدید و از طریق میدیای اجتماعی در جهان جذب کرد. چنانچه نیروی کار آمد و موثر داعش عمدتا از میان افسران ارتش بعث عراق و همچنین نیروهایی از کشورهای اروپایی و آسیای میانه و از درون طیف تحصیل کرده و آشنا با تکنولوژی جدید است. شبکه مساجد در کشورهای غرب مثل کارخانه تولید تروریست منبعی برای تامین نیروی جنگجو و جهادی بوده است. داعش بیش از جریانات دیگر اسلامی از این کارخانه سود برده است. علاوه بر این نوع و تاکتیک

جنگ داعش علیه مخالفانش هم با طالبان و هم با القاعده تفاوتی زیادی دارد و گسترش و قدرت گیری سریع داعش عمدتا حاصل اتخاذ این تاکتیکهای بیرحمانه بود. داعش با ایجاد رعب و ترس و تصور شکست ناپذیر بودن خود، تعداد هر چه بیشتری از جوانان ناراضی در منطقه و جهادیهای تربیت شده مساجد اروپا را جذب کرد و از همین طریق توانست در مدت کوتاهی بخشهای زیادی از ارتش عراق و سوریه را وادار به هزیمت و تسلیم کند. همزمان با نشان دادن کارایی خود مورد حمایت مالی و تسلیحاتی ترکیه و عربستان و قطر قرار گرفت و چراغ سبز غرب هم راه پیشروی این نیروی خونریز را سریعتر کرد.

غرب هنگامی به صرافت مقابله با داعش افتاد که این نیروی تروریست اسلامی هم منافع غرب را تهدید کرد و هم بخش عمده خاک سوریه و حدود نیمی از خاک عراق را به تصرف خود در آورد. این هیولا با قدرتیگیری غیر قابل تصور و سریع خود دامنه عملیات تروریستی خود را به غرب و اسرائیل هم گسترش داد. اکنون تقریبا تمام عملیاتیهای تروریستی در غرب بوسیله داعش سازمان داده میشود. با این حال تمام جریانات اسلامی ابتدا در خاور میانه و شمال آفریقا سر بر آوردند و جنگ آنها اساسا با دولتهای اسلامی و جریانات اسلامی رقیب آغاز شد. ولی در ادامه رشد و گسترش آنها دایره نفوذ این جریانات در کشورهای مختلف شاخه‌های متعددی از آنها سازمان داده شد و شبکه مسجد سازی و رشد رسانه‌های این جریانات در بخش وسیعی از جهان گسترش یافت. هیچ دوره‌ای به اندازه امروز جریانات اسلامی توان و قدرت تبلیغات و امکانات رسانه‌ای در اختیار نداشته‌اند. طبق آمار منتشر شده اکنون بیش از ۳۰۰ شبکه تلویزیونی و رادیویی پر شنونده را در اختیار دارند و در کنار این شبکه‌ها هزاران سایت و صفحه شخصی و گروهی در میدیای اجتماعی را اشغال کرده‌اند. همه آنها بدون استثنا با اتکا به احکام قرآن و احادیث اسلامی میخواهند جامعه را و قوانین و روابط اجتماعی مردم را به دوران توحش اسلام بدوی

برگردانند. از همین زاویه همه آنها ضد غرب و ضد تمدن و ضد هر نوع فرهنگ انسانی پیشرو و مدرن بوده و هستند. اما جدال این دو سر اژدهای اسلامی تحت عنوان سنی و شیعه به رهبری عربستان سعودی و جمهوری اسلامی اکنون در خاور میانه متمرکز شده است و بر محور تقسیم منطقه نفوذ و دسترسی هرکدام از آنها به قدرت و ثروت شدت بیشتری گرفته است.

ایسکرا: اما در جنگ با داعش ظاهرا هر دو قطب اسلامی شیعه و سنی در یک جبهه قرار گرفته‌اند این را چگونه توضیح میدهید؟

محمد آسگران: همچنانکه بالاتر گفتیم هنگامیکه نیرویی مانند داعش از کنترل حامیان خارج شد و بخش وسیعی از خاک سوریه و عراق را تصرف کرد ترس حامیان این جریان تروریست کمتر از مخالفانش نبود. بویژه هنگامیکه داعش نقشه کشورهای از منطقه را منتشر کرد که قرار بود آنها را به تصرف خود درآورد تمام کشورهای عربی و ترکیه و بخشی از آسیای میانه و شمال آفریقا را در بر میگرفت. بنابر این همه کشورهای منطقه احساس خطر کردند و کشورهای غربی هم متوجه شدند که

نمیتوانند داعش را همانند القاعده در یک محدوده برای بده بستان خود نگهدارند. این احساس خطر همه احزاب و دولتهای دو قطب رقیب را علیه داعش بسیج کرد. اما تضعیف و شکست نظامی داعش به معنی ترك مخاصمه این دو قطب منطقه‌ای و جهانی نیست. اتفاقا بعد از داعش جدال این دو قطب جهانی و منطقه‌ای بر سر تقسیم سهم و منطقه نفوذ شدت بیشتری خواهد گرفت. از همین حالا رقابت و جبهه بندیها برای بعد از تصرف موصل آغاز شده است.

هنوز سرنوشت اداره کشورهای سوریه و عراق معلوم نشده است. معلوم نیست چگونه باید بعد از داعش و حاشیه‌ای کردن جریانات غیر قابل کنترل اسلامی این دو کشور اداره بشوند. امروز ترکیه را هم باید به آنها اضافه کرد. علاوه بر اینها منطقه بحرانی کردنشین چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه همچنان بحث داغ محافل بین المللی و منطقه‌ای است.

در پایان این بخش باید بگویم که بحران خاورمیانه رو به اتمام نیست بلکه دارد دوره تازه و فاز جدیدی میشود. پایان این بحران در تناسب قوای کنونی قابل تصور نیست.

ادامه دارد

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده‌اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده‌اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفره‌هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده‌اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان‌ها کرده‌اند. ثروت‌های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده‌اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده‌اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده‌اند و هر وقت اعتراض کرده‌ایم آنها را به جان ما انداخته‌اند. دادگاه و زندان ساخته‌اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه‌های سنگین محکوم کرده‌اند.

گله‌آلود تربیت کرده‌اند که خرافه‌رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه‌هایشان مدام دروغ میگویند و وعده‌های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست‌ها بترسانند تا سرمایه‌داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف‌شان را باور نکنیم. تا سرمایه‌داری و دولت سرمایه‌داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه‌داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه‌داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سزگون باد سرمایه‌داری و دولت دزد سرمایه‌داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد حزب کمونیست کارگری!

"اگر از اسب افتاده ایم اما از نسل نیفتاده ایم."



مجید حسینی

هر بار از میروان این شهر زیبا خبری زیباتر از تنوع طبیعت آن، دلنشین تر از آوای پرندگان، زیباتر از آراستگی زربار و کوه و جنگل و دشتهای سرسبز آن به ما میرسد. اگر خبری پیام آور جشن و شادی باشد، یا از اعتراض و مبارزه مردم سخن گوید، حتی اگر خبر از اندوه و مصیبتی صحبت کند، همه این خبرات جلوه هائی از ابتکار و همبستگی انسانی مردم مدرن و آزادیخواه در این شهر را با خود دارند.

آخرین موردش استقبال گرم مردم در هفته اول دیماه ۱۳۹۵ از محمد باختر بود. محمد یک پای خود را بر اثر انفجار مین در جریان نجات جان سگ گرفتار آمده در میان سیم های خار دار از دست داد. در عوض تحسین مردم انساندوست و قلبهای آنها را بدست آورد و در صف عاشقان زندگی جا گرفت. روزیکه محمد از بیمارستان تبریز به میروان برگشت، صف زنان و مردان با دسته های گل، با پلاکاردهای قدردانی و خوش آمدگویی از او در دو طرف کوچه منتهی به منزلش صحنه های شور انگیز انسانی را بنمایش گذاشته بودند. این مراسم با گفتگوی کوتاه محمد باختر با خبرنگار و تشکر او از مردم در میروان و در تبریز باختر مهربانی ها و عیادت از او در مدتی که در بیمارستان آن شهر بستری بود پایان یافت.

با اندک دقتی در پیام کوتاه، ساده و روان محمد باختر سر از باغ پر گلی در می آوریم که اول آن میروان و آخر آن تبریز نیست و به پهنای این جهان وسعت دارد. مردم آگاه و مبارز در این شهر در کاشتن نهال و گل های رنگا و رنگ در این باغ سهم دارند. چنان سهمی که میروان را به شهر آرمانهای بزرگ و به یکی از ستارگان درخشان آسمان مبارزات سیاسی و طبقاتی جامعه

ایران تبدیل کرده است. نجات جان آن سگ و قدر دانی از این اقدام و ارزش گذاری برای جان هر موجود زنده ای حکایت دلنشینی از رابطه انسان با طبیعت را دارد. فداکاری محمد باختر و اقدامات مشابه دفاع از محیط زیست توسط فعالین آن در میروان و سمنج و تبریز و تهران و شیراز و اصفهان و در این کره خاکی، گوشه هائی از آن جنبشی هستند که صد چندان برای جان انسان برای زندگی و رفا و برابری ارزش قائل است.

از اواخر دهه چهل تا کنون شهر میروان ویژگیها و سنت های مبارزاتی مربوط به خود را دارد. ویژگیهایی که آن را به شهر خلأقتیت ها، شهر زنده تر، شاد تری و پر از تلاش و مبارزه برای زندگی تبدیل کرده است. میروان شهر مبارزات بزرگ، شخصیت های بزرگ و انبوهی از کارهای ریز و کلان پر ارزشی است. تاریخ پیشین آن هنوز بیان نشده و فقط خراشهای سطحی کج و معوجی بر آن زده اند و باید آن را نوشت.

اما دوران امروزش را باید شناخت. دورانی که با ایستادگی و مبارزه روزانه در مقابل رژیم هار اسلامی، با کوشش و کاردانی فعالینش در نهادها و کمپین ها و پروژه های مختلفی بسر برده میشود. این دوره و اهمیت اش را باید درک کرد و در باره اش نوشت و متوجه بود کجائیم و به کجا میرویم. همه ما با آن کاروانی همراهیم که مقصدش دنیای شایسته برای انسانها است. شهرت گذشته و امروز این شهر را حرکت خلاف جریانی فعالین آزادیخواه آن رقم زده اند. راز این شهر همین جا است.

فعالین مذهبی و ناسیونالیست کم نیستند. شنا کردن همراه با آنها، در این رود خانه گل آلودی که براه انداخته اند هنری نمی خواهد. اینها تاریخ خود را دارند. تاریخ ما را مبارزات کارگری و سیاسی توده ای و آزادیخواهانه آن بخشی از فعالین ساخته اند و می سازند که سر سازشی با هر آنچه آدمی را از منشاء انسانیش دور کند ندارند.

اگر سری به این شهر زیبا و شهرک و روستاهایش بزنیم، در خیابانهایش قدم بزنیم، به محلات و

کوچه هایش برویم، به کارگاهها، ورزشگاهها، بیمارستان، مدارس و دانشگاههایش دقت کنیم در همه جای آن زمزمه هیجان آور سرود زندگی را می شنویم. از چه بگویم و از کجا شروع کنم تا چیزی از قلم نیفتد. موارد زیاد و متنوع است. هر چقدر دقت کنم حتما مواردی از قلم خواهد افتاد و از قبل این کمبود را می پذیرم. کمتر شخص علاقمندی است آنچمن زنان در این شهر، آنچمن سبز چپای میروان، جشنواره بین المللی تئاتر خیابانی، جامعه معلمان، انجمنهای فرهنگی، نشریات فرهنگی و پژوهشی، سندیکای کارگران، کتابخانه باز، دبیرخانه دائمی بازی های بومی و محلی، گروه های مختلف کوهنوردی، هنری، جشنواره های آدم برفی برای دفاع از حقوق کودکان و... را در این شهر نشناسد.

بسیار بیشتر از تعداد این نهادهای مدنی و فرهنگی، کمپین ها، پروژه ها، مراسم ها و برنامه های گوناگون اعتراضی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و محیط زیستی در این شهر انجام می گیرد. مراسم های روز جهانی زن هشت مارس، اول مه روز کارگر، قطعنامه مشترک کارگران خبازبهای سمنج و میروان، روز جهانی علیه اعدام و کمپین جمع آوری امضاء، روز معلم، ترویج کتابخوانی، دفاع از حقوق کودک، کمپین بازی حق کودکان است، اعتراض به توهین به زنان و کمپین زنان سرخ پوش علیه اهانت به زنان، سه شنبه های پاک بدون خودرو، دفاع از دوچرخه سواری زنان و کمپین جمع آوری امضاء در این رابطه، حمایت از زنانی که بعناوین مختلف تحت فشارند، گرامیداشت زنانی که بدلائل مختلف دست به خود کشی زده اند، اعتراض به قتل ناموسی و ناموس پرستی، کمپین جمع آوری کمک مالی برای آوارگان شنگال، اعتراض به گلوله بستن کولبران و بی حرمتی به آنها، اعتصاب عمومی به مناسبت های مختلف، خاموش کردن آتش جنگل ها، تیمار پرندگان و جانوران آسیب دیده و آزاد کردن آنها و از جمله اقدام زوج جوان شادمان کامران و نگین فتاحی، تهیه دانه و خوراک برای پرندگان در فصل زمستان، جمع

آوری زیاده های پلاستیکی در شهر و روستا و در اطرف زربار، کمپین ترک سیگار، ترک شکار و آزاد کردن پرندگان و آتش زدن قفسه ها، شکستن تفنگ شکاری، انواع گروه های موزیک، گروه رقص (هه لپه رکی)، کوهنوردی، دوچرخه سواری از میروان تا تبریز با شعار پشتیبانی از محیط زیست، دیوار مهربانی، اعتراض به رفت و آمد مداوم نفتکش ها و تبدیل شدن جاده ها به قتلگاه مردم، گرمای داشت عزیز جانباخته محمد کهنه پوشی فعال محیط زیست، کمپین برای آزادی زندانیان از جمله زانیار و لقمان، حرکت معلم انساندوست در حمایت از دانش آموز بیمار، اقدام جمعی مکانیک ها و تعمیرکاران برای یاری رساندن و دادن سیرویس رایگان به مسافران نروروی و بالاخره اعتراض به محل ساختن پالایشگاه نفت در این اواخر در مرکز جغرافیایی منطقه، بطوریکه زیاده های سمی اش و حمل و نقل های نفتی و شیمائی از مرز به آن و از پالایشگاه به شهرهای دیگر ایران کلیت محیط زیست و کار و امنیت و زندگی مردم را بطور جدی مورد تهدید قرار میدهد.

با نگاه به این لیست و مکشی کوتاه بر آن، تابلوی رنگی زنده ای از زندگی اجتماعی و عرصه های مختلف اش را در برابر خود خواهیم یافت. فعالیت هائی که چون رود روان توقف ندارند و دائما درگیر با موانع است. وقتی راهی را بر آن سد میکنند و امکاناتی را از آن می گیرند، راه های دیگر و امکانات دیگری را برای پیش رفتن فراهم می نمایند. این چرخه کشمکش بین دو جبهه مردم و دشمنان مردم در میروان و سراسر ایران تعطیل بر دار نیست. در مقابل این تابلوی رنگی، تابلوی ظلمت سرمایه، فقر و بیکاری، لوله تفنگ پاسداران و لباس شخصی ها، زندان، اعدام، شکنجه، اهانت به مردم، دزدی، فساد و تجر کل سیستم حکومت اسلامی قرار گرفته است.

مردم مدرن و فعالین آگاه در مقابل آدمکشی جمهوری اسلامی، زور گوئی آن، ضد زن بودن، ضد کودک بودن، دخالت در زندگی شخصی شهروندان، لباس، خوراک،

شادی و نوشیدنی مردم و پروار کردن قشر آخوند و ملا، و بی مسئولیتی نسبت به محیط زیست، دارند پایه آلترناتیوهای انسانی و اجتماعی خود را بنا می نهند. خارج از درک و قضاوت هر کسی و حتی فعالین اش این جنبش پویا و بی قرار، جنبش سوسیالیستی است که نسبت به هیچ بی عدالتی و عرصه ای از زندگی بی تفاوت نیست. اگر این فعالیت ها را از جامعه ایران و شهر میروان حذف کنید، چیز دلگیری باقی نمی ماند، انگار که زندگی را از آنها گرفته اید و با جامعه و شهری مرده و سوت و کور روپرو خواهیم شد.

دستاوردها و غنای امروز این مبارزات فراتر و پایدارتر از تصورات بسیاری از ما است. معمول این است که به مبارزات رادیکال در حال وقوع و به شخصیت هایش کمتر از آنچه واقعا هستند اهمیت داده میشود. تقابل زنده این مبارزات با موانع دولتی، با افکار و قضاوت دیگر گرایشهای سیاسی و هم چنین با سنت و افکار کهنه در جامعه بی تاثیر در این دست کم گرفتن ها نیست. در هر صورت سرمایه ما و قلب و مرکز این رویدادها فعالین آنند. این فعالین نباید خود و کار خود را محدود ببینند و دست کم بگیرند. اگر نسل بعد از این نسل، از امروز میروان صحبت کند حتما با افتخار از آن یاد خواهد کرد. میشود در باره این دوره زمانی کتابها نوشت. اما هیچ کتاب و نوشته و مقاله و جملاتی نمی تواند دامنه و عمق فوائد سیاسی اجتماعی این تلاشها را به تمامی به تصویر بکشد. هیچ نوشته و اثری قادر نیست مانند آنها در شکل دادن به تاریخ و متحد و آگاه کردن مردم موثر واقع گردد.

در قیاس با بسیاری از شهرهای ایران میروان شهر کوچکی است. اما این شهر کوچک آوازه بزرگی دارد. میروان از جمله شهرهای خوشنام و محبوب و مورد توجه دوست و دشمن است. دشمن به آن حساس است. رژیم این اواخر امام جمعه را جلو کشید تا به سبک دیگر شهرها نیروهای سرکوشش را به بهانه اجرای فرمایشات آن جناب به جان مردم بیندازد. رژیم از سر محدودیت و ناتوانیش در ماجرای دوچرخه سواری زنان پشت سر او قرار گرفت. در

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرين رمضانلی



در روستای "تُر جان" از توابع شهرستان سقز

محصلین روستای ترجان بدلیل اعتراض به کمبود معلم و امکانات آموزشی از ثبت نام در مدرسه خودداری کردند.

ناامنی محیط کار

"فاتح ابراهیمی" ۲۷ ساله کارگر مهاجر از روستای بیساران در شهر بابل بر اثر ناامنی محیط کار جاباخت. فاتح بهرامی در حین کار با موتور آبکش دچار برق گرفتگی شده و به داخل آب افتاده است.

اعدام در زندان کرمانشاه

سحرگاه روز ۲۵ دیماه، با حضور جمعی از مسئولین امنیتی-قضایی حکومت اسلامی ایران در شهر کرمانشاه، دو زندانی "سیف‌الله حسینیان" ۳۳ ساله فرزند از شهرستان‌های سقز و "توفیق بهرام‌نژاد" ۳۱ ساله از شهرستان جوانرود در زندان دیزل‌آباد به دار آویخته شدند.

وخامت جسمی کیوان گرمی

کیوان گرمی فیلمساز سرشناس زندانی در بند هشت زندان اوین علی‌رغم اینکه از عفونت و خونریزی ریه رنج می‌برد، در یک ماه گذشته از رسیدگی مناسب پزشکی محروم مانده است.

تعقیب و گریز مأمورها و کوله برها

۲۸دی ماه؛ تعقیب و گریز مأمورها و کوله برها یک کشته و سه مجروح برجای گذاشت. گریز ۶ کوله بر از دست مأمورها در منطقه مرزی بانه، موجب مرگ یک تن و به کما رفتن سه تن در اثر سقوط به دره شد و دو کوله بر هم بازداشت شدند.

به پاتوق کارگران و خانواده هایشان و حمایت مردم شهر از آنان است.

پرداخت نکردن سه ماه حقوق کارگران «سد کانی سیب»

کارگران شاغل در پروژه ساخت سد کانی سیب پیرانشهر، سه ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند. این کارگران روز پنجشنبه در محل کار خود دست به اعتراض زده بودند. کارگران این پروژه عمرانی که از شهرهای مختلف در پروژه‌های ساخت سد کانی سیب پیرانشهر مشغول کارند، برخی از روزهای سال برای دریافت مطالبات معوقه خود به نشانه اعتراض کارکردن در محل، کار خود را متوقف کرده اند.

راه اندازی ایستگاه کاریگر در شهر مریوان

به ابتکار میکائیل صدیقی، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد، ایستگاه کاریگر راه اندازی شد. این ایستگاه که در میدان اصلی شهر مریوان راه اندازی می شود، محلی برای اطلاع رسانی به کارگران ساختمانی و شهروندان مریوانی خواهد بود. هدف اصلی فرهنگ سازی است و مقداری کتاب و نشریه کاریگر در این ایستگاه قرار داده خواهد شد.

پیش از ۶۰ درصد کارگران ساختمانی سنجند فاقد بیمه هستند

میکائیل صدیقی، نائب رئیس کانون انجمن‌های کارگران ساختمانی استان کردستان، اعلام کرده است که: با وجود اینکه در استان کردستان ۳۳ هزار نفر کاریگر ساختمانی وجود دارد اما تا کنون تنها ۱۱ هزار نفر از آن‌ها بیمه شده‌اند. این در حالی است که بنابر وعده‌های وزارت "کار و سازمان تامین اجتماعی" می‌بایست طی سال ۹۵، حداقل ۲۰۰ هزار کاریگر ساختمانی بیمه می‌شدند اما بنابر آمار انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی امسال حتی یک کاریگر ساختمانی نیز بیمه نشده است. وی در عین حال تاکید دارد که تنها پشتوانه کارگران ساختمانی و خانواده هایشان بیمه تامین اجتماعی است و نمی‌بایست این حق ابتدایی را از آنها دریغ کرد.

از صفحه ۳ "اگر از اسب افتاده ایم ..."

سرتاسر ایران مردم با رژیم در افتاده اند. اگر در مریوان فشارش را بیاورد با تهران و تبریز و سنندج و شیراز و اصفهان و بقیه شهرهای حساس و مراکز کاریگری کلیدی حساس تر چکار می‌کند. هنوز مردم در ایران تکلیف خود با رژیم را روشن نکرده‌اند و تعادل میان آنها شکننده است. در این رودر روئی مریوان تنها نیست. بر متن و چهار چوب این تناسب قوای سراسری و با توجه به ویژگیها در محل می‌توان برنامه های دقیق تر و کارآمد تری را در دستور گذاشت.

باید توجه شود که حساسیت دشمن به مریوان همه اش منفی نیست. این حساسیت محصول تلاش ما است و فقط به همین دلیل امکاناتی را برای ما فراهم نموده است. فعالین در محل می‌توانند این امکانات را دست نشان کنند. رژیم در بر خورد به ما محدودیت و ضعف خود را دارد.

۱۹ دیماه ۱۳۹۵

majid.hosaini@gmail.com

لغو اتهام امنیتی یعنی آزادی اعتصاب و تجمع، آزادی تشکل، آزادی بیان و اعتراض. این یک خواست محوری در مبارزات بخش های مختلف مردم علیه فقر و محرومیت و بی حقوقی علیه مفتخوران و جنایتکاران حاکم است.

احکام امنیتی علیه کارگران، معلمان و مردم معترض باید ملغی شود!



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان تهیه و تنظیم: عزیزه لطف الهی

ناهید گرجی آزاد شد

ناهید گرجی زندانی عقیدتی زندان وکیل آباد مشهد با تحمل مجموعاً ۲۲ ماه حبس از محکومیت ۳ ساله خود به شکل مشروط از زندان آزاد شد. در زمان بازداشت گزارشات متعددی از وضعیت نامناسب جسمی و روحی او منتشر شد به شکلی که علاوه بر محرومیت از خدمات درمانی مناسب مسئولان زندان از تحویل گرفتن داروهای مورد نیاز این زندانی که توسط خانواده اش تهیه شده بود نیز سر باز می زدند. به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، ناهید گرجی، شهروند مشهدی که در پی فعالیت های مدنی خود در فضای مجازی بازداشت شده بود پس از آنکه در مراحل مختلف بازداشت مجموعاً ۲۲ ماه حبس را تحمل کرد، امروز بصورت مشروط از بابت حبس ۳ ساله خود از زندان وکیل آباد مشهد آزاد شد.

یک زن در اسانه اعدام

روز ۲۱ دیماه، سه زندانی از جمله یک زن محکوم به اعدام در زندان ارومیه جهت اجرای حکم به سلول انفرادی منتقل شدند. از هویت و شرایط زن زندانی، خبری در دست نیست. حکم اعدام این سه زندانی قرار است در روزهای آتی اجرا شود. طی دوره ۴ساله ریاست جمهوری روحانی، حداقل ۷۱ زن در ایران اعدام شده اند.

زنان موتور سوار تعادل نیروی انتظامی و بسیج را بهم زدند - مانا ارجمند

روز چهارشنبه ۲۲ دی در دزفول گشتهای محسوس و نامحسوس بسیج نیروهای یگان ویژه زنده بسیج که کارهای خیلی خیلی مهمی انجام میدهند.

در یک عملیات فوق متحورانه توانستند دو دختر موتور سوار را به دام بیندازند و با کمک نیروهای تخصصی وزارت اطلاعات آنها را دستگیر کرده و توانستند از اقدامات بعدی آنها جلوگیری کنند. این دو

دختر که در اقدامی فوق العاده، ارزشهای دینی بسیج را به مسخره گرفته و با ویرازهای متوالی اعصاب بسیج را خط خطی میکردند، در نهایت دستگیر شدند. مخفیگاه آنها بوستان جنگی لاله در ابتدای جاده بخش سردشت در فوول بود و روزانه این عمل "شنیع" را تمرین میکردند!!! اما نیروی انتظامی و بسیج و وزارت اطلاعات موفق شدند با همراهی محسوس و نامحسوسها این دو دختر را دستگیر و به مراجع دینی ولایت تحویل بدهند.

مقامات دینی قول دادند که آنها را به سزای اعمالشان برسانند! زیرا که زن را چه به موتور سواری پس فردا حتما زمانی که گشت به آنها سر بدحجابی گیر میدهد میخواهند بپرند روی موتور و فرار کنند! آنوقت چه کسی حریف میشود.!!!!

این زنان موتور سوار حتی از اقدامات خود عکس هم تهیه کرده بودند که باعث تاسف ولایت شده است. گفته میشود بسیاری از مردم "خود فروخته" از اقدام این دختران ابراز خوشحالی کرده و اقدام به تشویق آنها نموده اند. که حساب آنها را هم نیروهای زنده خواهند رسید.

سوچ زن بودن در ۴۰ نابولی نمایشگاه گروهی عکس سوچ

دختران هنرمند در کردستان مردم را به تماشای نمایشگاه سوچ (کنج) دعوت کردند تا از سوچ نگاه آنها سوچی از دغدغه های زنانه زنان را به تماشا بگذارند زنانی که به مانند در سوچ پستوها زبان شکوه و شکایت گشوده اند و فریاد خود را در تابلوهای محصور بر بوم دیوار سوچ محبوس کرده اند.

زنان در کردستان گرفتار در باتلاق بیکاری

بالا رفتن مدارک دانشگاهی تضمین کننده شغل در جامعه نیست. در ایران چند سالیست روند استخدامها به این سمت رفته است که تنها داشتن مدرک تحصیلی در مقطع ارشد یا دکترا، دستیابی به

شغل مناسب را تضمین نمی کند. مهم ترین مسئله و بحرانی که در حال حاضر جامعه و بالتبع آن استان کردستان را با آن درگیر است بیکاری زنان می باشد چرا که نصف جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند و بیکار ماندن آن ها می تواند تبعاتی داشته باشد.

ایرینا کراش، شطرنج باز آمریکایی در ایران حضور پیدا نکرد

دو شطرنج باز زن، از حضور در رقابت های قهرمانی شطرنج زنان ۲۰۱۷ که امسال در تهران برگزار می شود، انصراف دادند. علت عدم حضور ایرینا کراش، شطرنج باز آمریکایی، فقدان امنیت در ایران عنوان شده است. ماریا موزیچوک، بازیکن ۲۴ ساله و مطرح اوکراینی نیز که سابقه قهرمانی شطرنج زنان در سال ۲۰۱۵ و نایب قهرمانی در سال ۲۰۱۶ را دارد، به دلیل حجاب اجباری از حضور در مسابقات تهران انصراف داده است.

افزایش ازدواج سفید

افزایش هزینه های ازدواج در ایران موجب شده است تا آمار ازدواج در ایران کاهش یابد. آمار های اخیر حاکی از این است که در ۴ ماه نخست سال ۲۰۱۶، ۲۳۴۹۸۰ ازدواج در ایران انجام شده است که این رقم در تاریخ مشابه سال قبل ۲۴۰۳۲۹ بوده است. گفتنی است آمار ازدواج سفید در ایران افزایش یافته است که می تواند رشد شاخص جمعیت را کاهش دهد. گزارش های رسمی حاکی از این هستند که ۵ / ۱۱ میلیون از مردان و زنان سن ازدواج را رد کرده اند و همچنان مجرد می باشند.

وزیر امور زنان آلمان به دنبال برابری دستمزدها بین زنان و مردان است

وزیر امور زنان آلمان می گوید به دنبال برابری دستمزدها بین زنان و مردان است. برای این منظور او طرحی را تنظیم کرده که به زنان شاغل امکان می دهد تا دستمزدهایشان را با همکاران مرد خود مقایسه کنند.

به گفته مانوئلا شوزیگ، وزیر امور زنان آلمان (و عضو حزب دموکرات سوسیال)، این طرح موجب کاهش اختلاف جنسیتی در پرداخت دستمزدها خواهد شد. خانم شوزیگ گفت برای مقابله با اختلاف درآمد حاصل از کار در بین مردان و زنان، شفافیت بیشتر در نحوه پرداخت دستمزدها ضروری است. او همچنین افزود: «نکته اصلی و مهم این طرح، پرداخت برابر در ازای کار برابر برای مردان و زنان و شفاف کردن چارچوبها و شیوه محاسبه دستمزدهاست بگونه ای که هر کس بداند کارش سزاوار چه میزان پرداخت از سوی کارفرماست بر اساس این طرح تازه، شرکتها ملزم خواهند بود بدون افشای میزان حقوق کارکنان خود، چارچوب و شیوه محاسبه دستمزدهای آنها را منتشر کنند. این طرح با مخالفت بخشهای صنعتی روبرو شده است.

مراکش، فروش، تولید و صدور برقع را ممنوع کرد

این خبر از سوی منابع رسمی اعلام نشده اما ماموران رسمی بدون فاش کردن نامشان به فروشگاهها گفته اند که این تصمیم به دلیل نگرانی های امنیتی گرفته شده است. یک مقام ارشد وزارت داخله مراکش

این خبر را در گفت وگو با سایت خبری Le ۳۶۰ تایید کرده و افزوده که راهزنان اغلب از پوشش برای پوشاندن جرایم خود استفاده می کنند. برقع که تمام صورت و بدن را می پوشاند، پوشش بسیا رایجی در مراکش نیست. اغلب زنان این کشور حجابی را ترجیح می دهند که پوشش صورت را در بر نداشته باشد. زنان حلقه های سلفی و زنان مناطق محافظه کار شمال این کشور بیشتر تمایل به استفاده از نقاب دارند که این پوشش، اطراف چشم را باز می گذارد.

این تصمیم از سوی سلطان محمد ششم گرفته شده که طرفدار اسلام میانه روست. حماد کباج، واعظی که از شرکت در انتخابات پارلمانی در ماه اکتبر به دلیل تمایل به افراطی گری محروم شد، این ممنوعیت را «غیر قابل قبول» خوانده و محکوم کرده است. کباج، آزادی و حقوق بشر مراکش را مورد تمسخر قرار داده که «پوشیدن لباس شمای غربی در سواحل را ممنوع می کند».

در عین حال سازمان دیده بان توسعه حقوق بشر مراکش شمالی، می گوید که این تصمیم یک «تصمیم خودسرانه است که نقض غیرمستقیم آزادی زنان و آزادی لباسی را که نشان دهنده هویت، اعتقادات مذهبی، سیاسی یا اجتماعی این زنان است محدود می کند».

اما نوزا اسکالی وزیر سابق خانواده و توسعه اجتماعی این کشور از این قانون استقبال کرده و آن را قدمی مهم در راه مبارزه با افراطی گری مذهبی دانسته است.

به کنگره ما بیاید!

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در ماه مارس ۲۰۱۷ برگزار میشود
کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیاید.



برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم از جمله هزینه ورودی کنگره
با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن تماس: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

معلمان بازنشسته باز هم دست به تجمع زدند

حل نشود دوباره برمیگردند و امروز ۲۸ دیماه به خیابان برگشتند و با خشم و نفرت از وضعیتی که حکومت اسلامی برای آنها ایجاد کرده است باز هم اعلام کردند که تا خواست های آنها برآورده نشود به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

تجمعات پی در پی معلمان بازنشسته، طومار ۱۲۰ هزاری کارگران نفت، تجمعات مکرر بازنشستگان فولاد و اعتصابات هرروزه و طولانی مدت کارگران و اعتراضات معلمان و سایر اعتراضاتی که توسط مردم به جان آمده در شهرهای مختلف برپا میشود، فضای جدیدی از گسترش اعتراضات توده ای و هم سرنوشتی و اتحاد میان توده های میلیونی مردم را به نمایش میگذارد. هرچه مردم بیشتر متحد میشوند حکومتیان بیشتر به جان هم می افتند و تشتت و بحران شان عمیق تر میشود و بی آبرویی شان بیشتر عیان میشود. فضا بیش از هر زمان برای اعتراضات قدرتمند و سراسری و متشکل شدن کارگران و مردم محروم و به جان آمده آماده تر شده است.

پیش به سوی اعتراضات
گسترده و سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ دیماه ۱۳۹۵
۱۷ ژانویه ۲۰۱۷



روز ۲۸ دیماه معلمان بازنشسته در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران تجمع کردند و با پلاکاردهایی که در دست داشتند و با سر دادن شعار به حقوق های ناچیز خود در مقابل حقوق های نجومی مقامات اعتراض کردند و خواهان افزایش حقوق، یکسان سازی حقوق ها با سایر بازنشستگان و درمان رایگان شدند. در این تجمع که بر اساس فراخوانی از قبل سازمان داده شده بود، معلمان با شعار خط فقر سه میلیون حقوق ما یک میلیون خواهان حقوق بالای خط فقر شدند.

اعتراضات معلمان بازنشسته از ششم مهر امسال وارد فاز تازه ای شده است. روز شش دیماه هزاران معلم بازنشسته در نزدیک به بیست شهر همزمان دست به تجمع زدند و خواست های فوری خود را اعلام کردند. بدنبال آن روز ۲۶ دیماه و سپس روز ۱۴ آذر دست به تجمع زدند و بر خواست های خود پافشاری کردند. یک نقطه قدرت اعتراضات بازنشستگان نقش فعال زنان بازنشسته است. در تجمع ۲۶ مهر معلمان شعار میدادند: اگه صندوق خالیه اینهمه دزدی چیه، اگه صندوق خالیه اینهمه اختلاس چیه. و در تجمع ۱۴ آذر شعار میدادند معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. در این تجمع بازنشستگان اعلام کردند چنانچه مشکلاتشان



اعدام کرد به گزارش خبرگزاری آناتولی طی دروزر گذشته ۲۰ نفر در زندان های رجایی شهر، کرج، قزوین و کرمان ایران به اتهاماتی؛ از قبیل "جرائم مواد مخدر، سرقت مسلحانه و قتل" اعدام شدند.

به گزارش دادگستری قزوین، صبح روز یکشنبه دو نفر به اسمی اکبر ک ۳۶ ساله و مرتضی ح به جرایمی در رابطه با مواد مخدر اعدام شدند. شمس الدین ر نیز صبح روز یکشنبه در زندان شهاب کرمان اعدام شد.

به گزارش ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران «هرانا»، سحرگاه روز شنبه، دست کم ۱۶ زندانی در دو زندان رجایی شهر و کرج به دار آویخته شدند.

همچنین روز پنجشنبه، یک زندانی در زندان مرکزی همدان با اتهامات مربوط به مواد مخدر اعدام شد. این زندانی ۳۷ ساله بابک اصغری فرزند هوشنگ نام داشته و اهل قروه استان کردستان بوده است.

بیست نفر در زندان های ایران اعدام شدند

هر بار که احساس کنند، ممکنست حرکتی، اعتراضی و یا بروز علنی خشم و نفرتی در جامعه دیده شود، تعدادی اسیر را اعدام میکنند. اسرای مردم، اسرای زحمتکش و مردم تحت ستم را که سالهای سال به گروگان گرفته و میکشند. در مقابل این قتل عمد دسته جمعی ۲۰ نفر از جوانان زندانی در ایران، بی بی سی و رادیو فردا غوغا نمیکند، حتی خیرش را درج نمیکند این جزئی انتگره از سیستمی است که با قتل سر پا مانده است و رسانه های آن چنانی و مفسرین این چنینی در این موارد خفقان میگیرند و هیچ نمیگویند، کشتار انسانها شاید ساده ترین کار حاکمین جنایت پیشه ایرانی است، از این همه جنایت چه باک که آنها میتوانند فردا کمی از حقوق بشر گفته و منشور شهروندی بنویسند و این رسانه ها با شخصتیهایی کرایه ای خود راه می افتند و اندر فواید

مینا احدی
۲۶ دی ۱۳۹۵
.....
بیست نفر در زندان های ایران اعدام شدند

دستگاه قضایی ایران ۲۰ نفر را به اتهامات مختلف در زندان های رجایی شهر، کرج، قزوین و کرمان

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام با هر نوع مجازات



متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



نا امنی محیط کار جان سه کارگر را در تبریز گرفت! باید به این جنایت سرمایه داران و دولتشان اعتراض کرد!

کمونیست کارگری ایران، ضمن تسلیت صمیمانه به خانواده های این کارگران کشته شده، همکارانشان و مردم محروم تبریز اعلام میکند که باید با بیشترین تعداد در مراسم های گرامیداشت این عزیزان شرکت کرد و این مراسمها را به صحنه اعتراض به عاملان این کشتار یعنی سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ماه ۹۵
۱۳ ژانویه ۲۰۱۷

چاپاول کارگران توسط سرمایه داران، در کشته شدن این کارگران دخیل است و به همین خاطر ناگزیر شد در محل حادثه حاضر شود تا برای کارگران اشک تمساح بریزد!

در ایران امروز هزینه حفظ ایمنی محیطهای کار با درج در قراردادها مشخص میگردد ولی عملاً با زد و بند پیمانکار و کار فرما و با حمایت نهادهای دولتی به قصد بالابردن سود پیمانکاران و کارفرمایان این هزینه عملاً بالا کشیده میشود. این یکی از ریشه های نا امنی محیطهای کار است.

کمیته آذربایجان حزب

بنا به اخبار درج شده در رسانههای داخلی ایران، ریزش آوار در محل ساخت تونل انرژی در محدوده خیابان خاقانی تبریز، باعث کشته شدن سه کارگر گردید.

نا امنی محیطهای کار سالانه جان هزاران کارگر را در محیطهای کار میگیرد. باعث و بانی این اتفاق ناگوار در تبریز هم مستقیماً پیمانکار ساختمانی این پروژه و فرمانداری و یا به معنی درستش سرمایه دار و دولت حامی اش یعنی جمهوری اسلامی میباشد. در این اتفاق هم فرماندار بخوبی میدانست که به عنوان نهاد دولتی حامی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!